

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۰، پیاپی ۱۴۰، تابستان ۱۴۰۰ / صفحات ۷۰-۴۵  
مقاله علمی - پژوهشی

## بازتاب اسرائیلیات در فیلم محمد رسول الله (ص) (قبل از بعثت)<sup>۱</sup>

هدیه تقوی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

### چکیده

شخصیت‌های دینی و تاریخ‌ساز به سبب جذابیت و تأثیرگذاری بر مخاطب، سوژه‌های مناسبی برای ساخت فیلم و ایجاد پیوند میان تاریخ و رسانه می‌باشند. انتقال داده‌های تاریخی از طریق سینما و تلویزیون به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه، ضرورت تعامل میان اصحاب رسانه با متخصصان و صاحب‌نظران تاریخ برای انتقال صحیح اطلاعات به بیننده را ایجاب می‌کند. این مهم در ارتباط با ساخت و تولید فیلم در مورد زندگانی پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت، به سبب وجود اسرائیلیات در سیره‌نگاری‌های اولیه دوچندان می‌شود. در فیلم «محمد رسول الله (ص)» به کارگردانی مجید مجیدی، این بخش از زندگانی پیامبر (ص) را به تصویر کشیده شده است. با توجه به اهمیت و تأثیر این فیلم بر بخش وسیعی از جامعه که می‌تواند در ذهنیت‌سازی مردم نسبت به پیامبر (ص) مؤثر واقع شود، نگارنده مقاله پیش رو درصدد بوده میزان بازتاب اسرائیلیات در آن را مورد بررسی قرار دهد. به این منظور، با رویکردی تطبیقی ابتدا اسرائیلیات موجود در منابع تاریخی مورد استفاده در فیلم را شناسایی کرده و سپس به چگونگی بازتاب آنها در فیلم پرداخته است.

یافته پژوهش نشان داده است که سازندگان فیلم محمد رسول الله (ص) در اخذ داده‌های تاریخی متکی به روایت‌های ابن اسحاق بوده‌اند و با کم‌توجهی به نقدهای جدی صورت گرفته در مورد صحت این داده‌ها، اسرائیلیات موجود در آن را در بخش قابل توجهی از فیلم بازتاب داده‌اند. این امر سبب شده چهره واقعی پیامبر (ص) در این دوره از زندگی، در پس اسرائیلیات قرار گیرد و از چشم بیننده پنهان بماند.  
**واژه‌های کلیدی:** فیلم محمد رسول الله (ص)، سیره‌نگاری، اسرائیلیات، ابن اسحاق

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2021.29767.2189

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء، تهران، ایران h.taghavi@alzahra.ac.ir

#### مقدمه

غلبهٔ گفتمان دینی و اسلامی بر فضای فرهنگی ایران در دهه‌های اخیر، همسو با رشد رسانه، امکان دسترسی مردم به رسانهٔ تصویری را آسان کرده است. شرایط موجود از دههٔ هفتاد تاکنون فضای مناسبی را برای ساخت فیلم‌های دینی و مذهبی با زمینه تاریخی فراهم آورد. این وضع به تولید و ساخت فیلم‌هایی با رویکرد شیعی، همچون سریال «امام علی(ع)»، «ولایت عشق»، «روز واقعه»، «تنهاترین سردار»، «مختارنامه» و غیره شد. به موازات آنها فیلم‌هایی با رویکرد دینی - تاریخی مانند «مردان آنجلس»، «یوسف پیامبر» و «محمد رسول‌الله(ص)» نیز تولید و به جامعه عرضه شده است.

ساخت فیلم تاریخی دربارهٔ شخصیت‌های دینی، قهرمانان ملی، اسطوره‌ها و غیره امری رایج در دنیای مدرن است که در کنار اهداف فرهنگی، با انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری صورت می‌گیرد. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. صرف هزینه‌های زیاد برای تولید فیلم‌های دینی و تاریخی که پژوهش و تحقیق جدی درباره اعتبار مستندات تاریخی آنها صورت نگرفته، نه تنها با هدر رفتن سرمایه اقتصادی همراه است، بلکه زمینهٔ رواج روایت‌های جعلی و تحریف شدهٔ تاریخی را در سطح وسیعی از جامعه فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی زدودن آثار مخرب آنها به آسانی امکان‌پذیر نیست. این امر به‌خصوص دربارهٔ پیامبر(ص) که بازنمایی رفتار، سخنان و عملکرد وی می‌تواند برای طیف وسیعی از جامعه محل توجه باشد، اهمیت و حساسیت ویژه‌ای می‌یابد.

بنا بر گزارش‌های مکرر تاریخی که از سده‌های نخستین قمری تاکنون مورد تأکید برخی مورخان و پژوهشگران تاریخ بوده، روایت‌های مخدوش که اغلب آنها اسرائیلیات است، بر سیمای تاریخی پیامبر(ص) قبل از بعثت در سیره‌نگاری‌های اولیه سایه انداخته و این بخش از زندگانی او را از واقعیت تاریخی دور کرده است.

منشأ اصلی ورود این روایت‌ها - به‌خصوص اسرائیلیات - به سیره‌نگاری اولیه را می‌توان در عواملی چون هم‌جواری مسلمانان با یهودیان (به‌ویژه یهودیان ساکن مدینه)،<sup>۱</sup> اشراف اطلاعاتی علمای یهود نسبت به قصه‌ها و داستان‌های مربوط به پیامبران بنی‌اسرائیلی،<sup>۲</sup> ضعف اطلاعات

۱. یهودیان خیلی قبل‌تر از ظهور اسلام در یثرب ساکن شده بودند و با قبایل عربی حشر و نشر داشتند. جامعه عرب نیز آنها را به عنوان اهل کتاب و مطلع‌ترین افراد نسبت به اخبار گذشتگان می‌شناخت (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۰۰/۱).

۲. میزان اطلاعات احبار و عالمان یهودی نسبت به اخبار پیامبران بنی‌اسرائیلی به حدی بود که به شیوه‌ای جذاب و عام‌پسند به داستان‌سازی دربارهٔ آنان پرداخته‌اند. مراجعه به متن تورات مبین این ادعاست. قرآن نیز در آیات متعدد بر تحریف تورات صحه گذاشته است.

مسلمانان در مورد زندگانی پیامبر(ص) قبل از بعثت، مرآة مسلمانان از جمله خلفای اسلامی با عالمان یهودی و نصرانی،<sup>۱</sup> رجوع مورخان و تاریخ‌نویسانی چون ابن اسحاق به عالمان یهودی برای کسب اخبار در مورد پیامبر(ص) (ابن حبان، ۱۳۹۲: ۳۸۲/۷)، وجود مفاهیم و برخی قصص مشترک در قرآن و کتب پیشینیان، منع کتابت حدیث توسط خلیفه دوم، رواج سنت شفاهی، ورود برنامه‌ریزی شده یهودیان و مسیحیان نومسلمان به عرصه ثبت و ضبط سیره پیامبر(ص) (ولوی، ۱۳۸۱: ۲۱۳) و غیره دانست. چنین شرایطی از یک سو فرصت را برای نومسلمانان یهودی و مسیحی که سابقه دیرینه‌ای در تدوین تاریخ انبیا داشتند، ایجاد کرد تا با فضیلت‌سازی برای دستیابی به هدف اصلی، یعنی فضیلت‌تراشی برای یهود و نصاری، جایگاهی ویژه به نقش خود در زندگی پیامبر(ص) دهند. ضربه‌پذیرترین موضع دخالت و جعل خبر، زندگانی پیامبر(ص) قبل از بعثت بود که بیشترین دخالت از ناحیه این گروه در آن انجام و بیشترین روایت‌های جعلی تولید شد؛ به حدی که زمینه تحریف سیره پیامبر(ص) قبل از بعثت را فراهم آورد. از طرف دیگر، هرچند اعراب از حافظه نسبتاً خوبی برخوردار بودند، اما در نقل شفاهی همیشه احتمال کم و زیاد کردن یا نقل به معنی وجود دارد. گزارش‌هایی که از سیره نظری و عملی پیامبر(ص) ارائه شده است نیز از این آفت مصون نمانده و در سیره‌نگاری اولیه ثبت شده است. در کنار عوامل یاد شده، علایق و گرایش‌های خاندانی (فضیلت‌سازی خاندانی توسط برخی مورخان مانند **عروه بن زبیر**)، اعتبار روایت‌های تاریخی در دوره کودکی و نوجوانی پیامبر(ص) را که حساسیت کمتری از سوی مسلمانان برای ثبت آن صورت گرفته بود، پایین آورد (ولوی، ۱۳۸۱: ۲۱۴). این مهم در سیره رسول‌الله ابن اسحاق به عنوان حلقه اتصال میان سیره‌نگاران اولیه و مورخان بعدی ماندگار شد. منابعی که ابن اسحاق مورد استفاده قرار داده بود، اغلب با برخورداری از گرایش‌های یهودی و مسیحی، روایت‌های منقول از آنها را در بخشی از کتاب سیره بازتاب داده است. این اخبار به ظاهر جذاب سال‌ها و بلکه قرن‌هاست که از منبعی به منبع دیگر منتقل می‌شود و حتی صفحات کتاب‌های درسی را نیز اشغال کرده است؛ به گونه‌ای که برای غیرمتخصص تبدیل به باور شده و نقد آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. وقتی این اخبار در قالب فیلم عرضه می‌شود، ضریب نفوذپذیری آن در میان اقشار مختلف افزایش می‌یابد. تأثیر چنین تصویرسازی بر جامعه، ایجاب می‌کند که فیلم محمد رسول‌الله(ص) مجیدی مورد نقد قرار گیرد.

بر همین اساس، در مقاله پیش رو با طرح این پرسش که «اسرائیلیات موجود در

۱. کعب الاحبار مشاور خلیفه دوم و سوم بود. نفوذ وی در حدی بود که حکم فقهی صادر می‌کرد و خلیفه نیز می‌پذیرفت (طبری، ۱۳۸۷: ۱۹۱/۴).

سیره‌نگاری اولیه تا چه حد در فیلم محمد رسول‌الله(ص) مجیدی بازتاب یافته است؟» به مقایسه تطبیقی روایت‌سازی‌های موجود در سیره‌نگاری اولیه با تصویرسازی صورت‌گرفته از پیامبر(ص) در فیلم محمد رسول‌الله(ص) پرداخته شده است. گفتنی است منظور از اسرائیلیات در این مقاله اعم از روایت‌های اسرائیلی و نصرانی است؛ زیرا از یک طرف ریشه و منشأ بخش مهمی از اخبار نصرانی در متون و منابع اسرائیلی، به‌ویژه عهد عتیق بوده و از طرف دیگر اخبار با منشأ اسرائیلی در منابع اسلامی از اشتهاار و غلبه بیشتری برخوردار است.

در زمینه نقد فیلم‌های تاریخی، دینی و مذهبی کتابی با عنوان بررسی شخصیت در فیلم‌های تاریخی - مذهبی (فرجامی، ۱۳۹۲) نوشته شده که در آن به بررسی واقعیت یا تخیلی بودن شخصیت‌های مذهبی پرداخته شده است. در بعد دانشگاهی نقد جدی توسط فصیحی و پاک‌زاد در مقاله «اعتبارسنجی تاریخی دو سریال در چشم باد و عمارت کلاه فرنگی (مطالعه موردی: دوره رضاشاه)» (فصیحی و پاک‌زاد، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۴۴) صورت گرفته، اما در مورد فیلم محمد رسول‌الله نقد جدی در قالب یک اثر پژوهشی نوشته نشده است. با توجه به اهمیت ارائه تصویری دقیق و مطابق با واقع از زندگانی پیامبر(ص) در رسانه ملی، نگارنده مقاله پیش رو با پرداختن به این موضوع، به ارائه نکاتی درباره عدم صحت داده‌های تاریخی بازتاب یافته در فیلم، به منظور جلوگیری از تکرار و بازنمایی تحریف‌های تاریخی در فیلم‌های دینی پرداخته است.

## ۱. تاریخ و فیلم دینی

معرفی شخصیت‌های دینی و تاریخ‌ساز به‌خصوص پیامبران الهی که نقش مؤثری در تمدن‌سازی بشر در دوره‌های مختلف تاریخی داشته‌اند، امکان پیوند فیلم دینی و تاریخ را فراهم کرده است. برخی از متفکران دینی که بر نیاز جامعه به فیلم دینی و عینیت بخشیدن به تاریخ تأکید کرده‌اند، هدفمندی در ساخت فیلم‌های دینی را مهم دانسته‌اند (ساسانی، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲). اگر فیلم دینی با هدف انتقال مبانی فکری، سبک زندگی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شخصیت دینی و مؤسس همچون پیامبر اکرم(ص) برای مخاطب صورت گیرد، به‌طور قطع برای هر صحنه و گفت‌وگویی که در فیلم عرضه می‌شود، حساسیت و دقت بیشتری به عمل می‌آید، اما اگر هدف اقتصادی و ارائه تصویری مافوق بشری از او مد نظر باشد، قابلیت الگوپذیری از بیننده سلب می‌شود. دوگانگی این اهداف که گاهی در نقطه مقابل هم قرار می‌گیرند، بی‌تأثیر از واقعیت بیرونی (بافت موقعیتی و فکری جامعه) نیست. اگر فیلم دینی را به مثابه متن در نظر بگیریم، تأثیرپذیری کارگردان از شرایط موجود در انتخاب

سوژه‌ها، نوع قصه‌پردازی‌ها، نشانه‌ها، شخصیت‌های داستان و غیره زیاد است. ارتباط میان بافت موقعیتی و بافت فکری موجود در فیلم‌های دینی باعث می‌شود ساختار، عناصر صوری فیلم و ارکان ژانر تاریخی آن، یعنی شخصیت‌پردازی، گفت‌وگوها، پس‌زمینه،<sup>۱</sup> سکانس،<sup>۲</sup> نما،<sup>۳</sup> نور،<sup>۴</sup> «همگامی»،<sup>۵</sup> شمایل‌نگاری<sup>۶</sup> و غیره براساس آن شکل گیرد. به نظر «گلکر» در بیشتر فیلم‌ها برای کسب سود سعی می‌شود با شمار عظیمی از مخاطبان ارتباط برقرار شود. به این منظور ممکن است به چیزهایی متوسل شوند که عمومی‌تر باشد، اما مخاطبان به گونه‌ای پاسخ دهند که فیلم‌سازان انتظار آن را نداشته باشند (چرخ گیسون و هیل، ۱۳۸۲: ۳۱). فیلم دینی از تنوع مخاطبان به لحاظ فکری و عقیدتی برخوردار است. ابعاد فراگیری شخصیت دینی برای مخاطب عام جذابیت دارد، اما ممکن است چنین توفیقی را در جذب مخاطب خاص نداشته باشد و به مرور با واکنش منفی از سوی آنان، به‌خصوص نسل جوان که انتظار دیدن تصویری واقع‌گرا و منطقی دارند، مواجه شود. بر همین اساس، فیلم محمد رسول‌الله (ص) قابلیت نقد و بررسی پیدا می‌کند.

## ۲. اسرائیلیات در سیره‌نگاری

اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی اصطلاحی جدید نیست و پیشینه‌ای به قدمت سیره‌نویسی در تاریخ اسلام دارد. این واژه از اسرائیل نام دیگر یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم جد اعلا یهودیان گرفته شده است (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۲)، اما در قرن اول قمری متأثر از ورود اخبار و اقوال زیادی، از ناحیه برخی نومسلمانان یهودی به متون اسلامی وارد شد و در جامعه نشر یافت. اطلاع مورخان و عالمان اسلامی به این پدیده تأثیرگذار بر سیره‌نویسی‌ها و حتی احادیث و تفاسیر،

۱. هر چیزی که در پس‌زمینه شخصیت اصلی فیلم استفاده شود و برای شخصیت‌پردازی و فضا سازی موثر باشد، پس‌زمینه است (احمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲. قسمتی از فیلم که خود به خود جزئی کامل است و معمولاً با روشن شدن تدریجی تصویر (Fade in) شروع و به تاریکی تدریجی (Fade out) ختم می‌شود (دوائی، ۱۳۶۹: ۷۴).

۳. مقدار تصویری که دوربین فیلم‌برداری بدون قطع از یک صحنه می‌گیرد (دوائی، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

۴. نور طبیعی هر محیطی (اعم از محیط داخلی یا خارجی) که به وسیله روشنایی مصنوعی و نورافکن‌ها تقویت نشده است (دوائی، ۱۳۶۹: ۱۷۶).

۵. این اصطلاح از زبان‌شناسی وام گرفته شده و می‌تواند فیلم خاصی را در رابطه با بافت فرهنگی معاصر آن مطالعه کند و آن را چون یک شیء ساختاری که مناسبات درونی آن باید تحلیل شود، از نظر بگذارند (هیوارد، ۱۳۷۸: ۲۱۲).

۶. روشی که به موجب آن می‌توان سبک و مضمون‌های بصری را در فیلم طبقه‌بندی کرد (هیوارد، ۱۳۷۸: ۲۲۵-۲۲۶).

حساسیت آنان را نسبت به نشر اکاذیب اسرائیلی برانگیخت و به منظور روشنگری جامعه، به مفهوم‌شناسی این اصطلاح پرداختند.

مسعودی (متوفای ۳۴۵ق) نخستین مورخ مسلمانی بود که به صراحت اصطلاح اسرائیلیات را به کار برد و آن را مجموعه روایت‌های ناموثق و غیرقابل اعتماد دانست (۱۴۰۹: ۲۱۶/۲). واکنش‌ها نسبت به موضوع مورد طرح مسعودی در میان مورخان هم‌عصر او و حتی پس از او، تا چند قرن بعد کم‌رنگ بود و واکنش چندانی به همراه نداشت، اما در قرن هفتم و هشتم موضوعگیری مورخان و صاحب‌نظران اسلامی نسبت به این پدیده ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. از این بازه زمانی به بعد همسو با مفهوم‌شناسی اسرائیلیات، شیوه تشخیص روایات اسرائیلی به لحاظ محتوا و قالب نیز مطرح شد و مورخان در موضعی نقادانه به نقد آنها پرداختند. یاقوت حموی (متوفای ۶۲۶) در قرن هفتم دامنه نفوذ اسرائیلیات را شامل مطالب کتب قدیمه و آثار امم سالفه دانست (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۸۰۲/۶). طرح این مفهوم از اسرائیلیات، نصرانیات را نیز شامل می‌شد؛ زیرا کتب قدیمه و آثار امم سالفه می‌توانست هر متنی با منشأ اسرائیلی و نصرانی را در برگیرد. در قرن هشتم دامنه این واکنش‌ها ابعاد جدیدی به خود گرفت و اثری مستقل در زمینه مورد بحث تولید شد. ذهبی (متوفای ۷۴۸ق) با نوشتن کتاب *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث* گام مؤثری برای شناخت اسرائیلیات برداشت - که به نصرانیات نیز تعمیم یافت - و زمینه تشخیص روایت‌ها و احادیث با منشأ اسرائیلی را روشن کرد. به عقیده او روایت‌هایی که در متون اسلامی به لحاظ محتوا به صورت قصه‌گویی و داستان‌سرایی گفته شده‌اند، منشأ اسرائیلی دارد (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۹-۲۱). به نظر می‌رسد ذهبی با شناختی که به قصه‌های مربوط به پیامبران اسرائیلی در کتب عهد قدیم و جدید داشته، این بُعد از روایات اسرائیلی را مطرح کرده و به‌طور ضمنی به بازتولید آنها در متون اسلامی اشاره کرده است. در همین سده، سبکی (متوفای ۷۷۱ق) در کتاب *طبقات الشافعیة الکبری* ورود اسرائیلیات به احادیث را متذکر شده و به معرفی برخی احادیث با منشأ اسرائیلی پرداخت (سبکی، [بی تا]: ۳۶۶/۱). موضع ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ق) نیز در این بازه زمانی قابل توجه بود. وی با رویکردی نقادانه ضمن تعریف اسرائیلیات که آن را اخبار یهودیان نومسلمان در منابع اسلامی می‌دانست، به نقد محتوایی این گونه روایت‌های قصه‌گونه پرداخت که به زعم وی منشأ اسرائیلی داشت (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲۹۹/۲). پس از ابن کثیر، مهم‌ترین مورخی که به ورود اسرائیلیات در متون اسلامی و از جمله تاریخ واکنش نشان داد، ابن‌خلدون بود. ابن‌خلدون (متوفای ۸۰۸ق) نیز اسرائیلیات را در ارتباط با روایت‌های یهودیان نومسلمان مطرح کرد، اما او نیز همانند ذهبی قصه‌گونگی این روایت‌ها را مبنای تشخیص آنها دانست (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۱۶/۱). این رویه در قرون بعدی نیز تداوم یافت و در قرن نهم ابن‌حجر عسقلانی (متوفای

۸۵۲ق) ضمن تأکید بر برخی اخبار اسرائیلی منقول از صحابه و تابعین، به قصه‌گونگی و حکایت‌محور بودن آنها توجه کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶۸/۱). بررسی دیدگاه‌های مورخان مذکور درباره مفهوم اسرائیلیات نشان می‌دهد که بیشترین تأکید آنان شبیه بودن این روایات به قصه‌گویی و داستان‌سرایی بوده است.

مفهوم اسرائیلیات در میان محققان و پژوهشگران نیز بازتاب زیادی داشته است. فان فلوتن با تدوین کتابی با عنوان *السيادة العربية و الشيعة و الاسرائيليات في عهد بنی امیه*، بیش از دیگر محققان به رواج و نفوذ این مقوله در جامعه اسلامی در همان سده نخستین هجری پرداخت. وی نیز اسرائیلیات را محدود به روایت‌هایی با منشأ اسرائیلی ندانست و آن را به نصرانیات نیز تعمیم داد (فلوتن، ۱۹۶۵: ۱۰۹). برخی دیگر از محققان اهتمام بیشتری به معرفی چنین اخباری در متون اسلامی داشته‌اند؛ از جمله آنان عقیقی و رمزی می‌باشند. عقیقی در کتاب *طبقات مفسران شیعه* بر اخبار موجود در متون اسلامی با منشأ اسرائیلی تأکید کرده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷: ۱۱۰، ۲۶۸). رمزی نیز در کتاب *الاسرائیلیات و الاثرها فی کتب تفسیر* به این موضوع پرداخته است (رمزی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۳).

تفاوت معنادار اخبار مربوط به زندگانی پیامبر(ص) قبل و بعد از بعثت، دامنه نفوذ اسرائیلیات در قبل از بعثت را بیشتر نمایان می‌سازد. به نظر می‌رسد کم‌توجهی و پایین بودن حساسیت مسلمانان به ثبت اخبار مربوط به زندگانی پیامبر(ص) قبل از بعثت، این مقطع از زندگی وی را جولانگاه مناسبی برای نومسلمانان با تمایلات اسرائیلی و نصرانی تبدیل کرد و آنان با شیوه‌های مختلف کوشیدند منزلت و اعتبار معنوی و علمی برای اخبار یهود یا رهبانان مسیحی بترانند و وارد تاریخ اسلام کنند (ولوی، ۱۳۸۱: ۲۱۴). از طرفی تسلط و شناخت آنان به کتب پیشینان، زمینه‌ای برای القای برداشت‌هایشان از این متون به زندگانی پیامبر(ص) در دوران کودکی و نوجوانی فراهم کرد و به این وسیله روایت‌های قصه‌گونه را در سیره‌نگاری‌های اولیه که منبع و محل رجوع مورخان، مفسران پس از آنها بود، وارد کردند. این امر در برخی مراحل زندگانی پیامبر(ص) همچون وقوع حوادث شگفت‌انگیز همزمان با تولد وی، رخداد حوادث عجیب و مافوق بشری در مدت حضور او در خانه حلیمه و پیشگویی عالمان یهودی و نصرانی درباره نبوت محمد(ص) به شکل بارزی برجسته شد. این سه مرحله از زندگانی پیامبر(ص) قبل از بعثت، در بخش مهمی از فیلم محمد رسول‌الله به تصویر کشیده شده است. درحالی‌که در قرآن به عنوان مهم‌ترین و معتبرترین منبع اسلامی، فقط چند آیه کوتاه در سوره «ضحی» در مورد زندگانی پیامبر(ص) قبل از بعثت آمده است.<sup>۱</sup> در این آیات

۱. «الْمُ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى \* وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى \* فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ \* وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (سوره ضحی، آیات ۶-۱۱).

نیز تصویر یتیم بنی‌هاشم که با تنگدستی و سختی روزگار می‌گذرانده، ارائه شده است و هیچ‌گونه اثری از تصویرسازی‌های صورت گرفته در سیره‌نگاری‌های اولیه در آن دیده نمی‌شود.

سیره ابن‌اسحاق که در قرن دوم نوشته شد، منبع اصلی نشر این اکاذیب بود؛ زیرا با وجود کوشش‌های فردی برای ثبت سیره نبوی توسط عروۀ بن زبیر (متوفای ۹۴ق)،<sup>۱</sup> ابان بن عثمان (متوفای ۱۰۵ق)<sup>۲</sup> و ابن شهاب زهري (متوفای ۱۲۴ق)<sup>۳</sup> - هرچند این افراد نیز بی‌تأثیر از عالمان یهودی و نصرانی نبودند - کتاب سیره رسول‌الله ابن‌اسحاق (متوفای ۱۵۰ق) به نخستین منبع سیره‌نگاری ماندگار در میان مسلمانان تبدیل شد. گفتنی است اصل این کتاب از بین رفته، اما ابن هشام (متوفای ۲۱۸ق) با تهذیب و تلخیص آن در قرن سوم، داده‌های تاریخی ابن‌اسحاق را به مورخان بعدی و محققان امروزی انتقال داد. در قرن ششم قمری نیز اسحاق بن محمد همدانی (متوفای ۵۸۲ق) سیره ابن‌هشام را به فارسی ترجمه کرد و همین ترجمه که در پایان فیلم معرفی شده، یکی از منابع مهم مورد استفاده در فیلم محمد رسول‌الله بوده و بیشترین اطلاعات تاریخی از آن اخذ شده است؛ به همین سبب بررسی اجمالی شخصیت ابن‌اسحاق و منشأ روایت‌های او در مورد پیامبر(ص) اهمیت می‌یابد.

## ۱-۲. ابن‌اسحاق و اسرائیلیات

محمد بن اسحاق بن یسار مُکَنّی به ابوبکر یا ابوعبدالله (۸۵-۱۵۰ق) از موالی عراق و به روایتی از موالی ایرانی بود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۳۱/۱). جدّ او یسار بن خیار یا یسار بن کوتان از جمله مسیحیانی بود که به دستور شاه ایران در نقره (در حوالی عین‌التمر) زندانی و در سال ۱۲ق. در جریان فتح حیره توسط خالد بن ولید اسیر شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۴۶/۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱۱/۶۵۴). از این رو، می‌توان خاندان وی را از جمله خاندان‌های اهل کتاب و نصرانی‌الاصل دانست. این پیشینه فکری و دینی در رویکرد او به جمع‌آوری اخبار و اقوال مربوط به سیره نبوی نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد؛ به‌ویژه آنکه در مورد گرایش مذهبی او نیز اتفاق

۱. عروۀ بن زبیر (۲۲-۹۴) از فقیهان و پیشگامان سیره‌نویسی است. وی مورد اعتماد امویان بود و با آنان نشست و برخاست داشت (بلاذری، ۱۴۱۷: ۹/۴۴۱-۴۴۳).

۲. ابان بن عثمان فرزند خلیفه سوم، کتابی در مورد سیره پیامبر(ص) نوشت. وقتی سلیمان بن عبدالملک آن را مشاهده کرد گفت در این کتاب جز فضایل انصار نیست و دستور داد آن را سوزانند (ابن‌بکار، ۱۴۱۶: ۳۳۱).

۳. ابن‌شهاب زهري از سرآمدان سیره‌نویسی در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم قمری است. وی در سیره‌نویسی متأثر از استادش عروۀ بن زبیر بود و با خلفای اموی از عبدالملک تا یزید بن عبدالملک نشست و برخاست داشت (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۵/۳۴۸-۳۴۹).



نظر وجود ندارد. وی به تشیع، قدری‌گری و تدلیس در حدیث نیز متهم شده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۳۰/۱، ۲۳۹). علاوه بر آن، شاگردی ابن اسحاق در محضر کسان‌ی چون ابن شهاب زهری (۱۲۴ق)، عاصم بن عمر بن قتاده (۱۲۹ق) و عبدالله بن ابی بکر بن محمد مدنی (۱۳۰ یا ۱۳۵ق) و مراجعه وی به متون قبلی - به ویژه کتاب مغازی عروه بن زبیر - شک و تردید در مورد اخبار او را بیشتر می‌کند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۴۱/۹-۴۴۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۴۸/۵-۳۴۹)؛ زیرا تقرب این عالمان به دستگاه حاکمیت اموی و آشنایی آنان با علوم و سنن پیشینیان، امکان انتقال اخبار جعلی به سیره ابن اسحاق را میسر می‌کرد. از طرفی مراجعه او به شخصی به نام مغیره بن ابی لیبید برای به دست آوردن اخبار و اقوال مربوط به داستان‌های عهد عتیق که توسط وهب بن منبه روایت می‌شد (ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۴)، تأثیر تعیین کننده‌ای بر ورود اسرائیلیات به سیره ابن اسحاق و نوع نگرش او به سیره نبوی داشت. این مهم از چشم عالمان هم‌عصر وی و متفکران دوره‌های بعد پنهان نماند و به او نقدهای جدی وارد کردند. مالک بن انس از ائمه حدیث، ابن اسحاق را دجال نامید و او را از مدینه بیرون کرد (ابن خلکان، [بی تا]: ۲۲۷/۴؛ صفدی، ۱۴۰۱: ۱۸۹/۲). یکی از اتهامات جدی مالک بر وی نقل اخبار مربوط به غزوات پیامبر (ص) از یهودی‌زادگان نومسلمان بود؛ بدون اینکه آنها را بیازماید و صحت اخبارشان را تأیید کند (ابن حبان، ۱۳۹۲: ۳۸۲/۷-۳۸۳). ابن حبان نیز به نقل از سفیان، ابن اسحاق را امیرالمؤمنین حدیث نامید، اما بر او این ایراد را گرفت که از روایان ضعیف زیاد روایت کرده است؛ به همین سبب او را به دروغگویی متهم کرد (ابن حبان، ۱۳۹۲: ۳۸۳/۷). برخی تراجم‌نویسان نیز او را به انتشار و نقل اخبار از یهودیان و مسیحیان نومسلمان متهم کردند. ابن ندیم (متوفای ۳۸۵) در *الفهرست* بر این باور است که «او نسبت به یهود و نصاری خوشبین بوده و در نوشته‌های خود آنها را صاحب علوم پیشین خوانده است» (ابن ندیم، [بی تا]: ۱۳۶). همچنین یاقوت حموی در *معجم الادبای* مدعی شد که ابن اسحاق از یهود و نصارا روایت کرده و آنان را دارندگان علوم اوائل نامیده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۴۲۰/۶). خطیب بغدادی نیز یکی از موارد ضعف اخبار ابن اسحاق را نقل قول از صاحبان ادیان دیگر به ویژه یهودیان می‌داند (۱۴۱۷: ۲۲۲/۱). این حجم از انتقادات در دوره‌های مختلف، تردید در صحت اخبار او را قوت می‌بخشد.

ضعف اعتبار روایان محل رجوع ابن اسحاق، لطمه جدی بر صحت اخبار سیره او وارد می‌کند. وی در موارد بسیاری از ذکر نام راوی خودداری کرده و با عباراتی مانند «چنان‌که شنیده‌ام»، «از اهل علم شنیدم»، یا «به من خبر داده‌اند» و غیره شروع به نقل خبر کرده، اما با مراجعه به ذکر نام این روایان در منابع دیگر که همان اخبار ابن اسحاق را ذکر کرده‌اند، تعداد

آنان به بیش از یکصد نفر می‌رسد (ابن اسحاق، ۱۳۷۷: ۵/۱). از میان این تعداد کسانی چون عروۃ بن زبیر، ابان بن عثمان، وهب بن منبه،<sup>۱</sup> شرحبیل بن سعد،<sup>۲</sup> ابن شهاب زهری و کعب الاحبار<sup>۳</sup> نقش مهمی در نقل اخبار اسرائیلیات، به‌ویژه در بخش اول کتاب او داشته‌اند. گزارش ابن اسحاق از زندگانی پیامبر(ص) قبل از بعثت مبین این تأثیرگذاری است (ولوی، ۱۳۸۱: ۲۳۵). برخی از محققان نیز چنین اخباری را مظنون به تحریف، دروغ و نوآوری آزادانه دانسته‌اند (روزنتال، ۱۳۶۸: ۳۶/۲). به این ترتیب، با مراجعه به سیره ابن اسحاق و تصویرسازی او از دوران کودکی و نوجوانی پیامبر(ص)، قصه‌پردازی‌هایی دربارهٔ میلاد رسول اکرم(ص)، پیشگویی عالمان یهودی و مسیحی، سفر تجاری او به شام و غیره دیده می‌شود. ویژگی این قصه‌ها تخیل‌پردازی، پررنگ کردن ابعاد مافوق بشری پیامبر(ص)، مشخص بودن آغاز و انجام قصه به صورت خطی و بدون حاشیه‌پردازی و یا بریدگی و جذابیت و عام‌پسند بودن آنها، شباهت ظاهری و محتوایی این تصویرسازی‌ها با قصه‌های مربوط به پیامبران اسرائیلی در کتب عهد عتیق را بازنمایی می‌کند. این ویژگی‌ها سبب شده است تا این‌گونه تصویرسازی به باور عمومی تبدیل شود و نقد آن به آسانی امکان‌پذیر نباشد.

از طرفی مقایسهٔ اخبار مربوط به قبل و بعد از بعثت پیامبر(ص) در همین کتاب ابن اسحاق، تفاوت معناداری را به لحاظ مضمون و محتوا نشان می‌دهد. تصویر محمد(ص) قبل از بعثت تا حدودی مافوق بشری است که با حضور و نقش پررنگ عالمان یهودی و مسیحی عجین شده است. اتفاقات عجیب و اعجاز‌آمیز زندگی او، با کوشش عالمان نصرانی و یهودی برای حفظ حیات و یا تهدید جان او پیوند خورده است (ابن اسحاق: ۱۳۷۷: ۱۵۸/۱-۱۵۹)، اما چنین

۱. وهب بن منبه یمانی (۳۴-۱۱۴ق) از عالمان یهودی نومیسلان قرن اول قمری است که بسیاری از مضامین کتب پیشینیان را در یمن رواج داد (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۸۰۲/۶). وی مورخ و عالم به اخبار پیامبران پیشین و ناقل اخبار اسرائیلیات (زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۵۰/۹) در منابع اسلامی است. ابن منبه کتابی با عنوان *الاسرائیلیات* نوشت و برای نخستین بار این اصطلاح با معنا و مفهوم مد نظر وارد اسلام شد (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۴۴/۴). او خود بارها به استفاده از کتب پیشینیان تصریح کرد و برخی او را کذاب لقب دادند (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۴۹۲).

۲. شرحبیل بن سعد (متوفای ۱۲۳ق) آزاد شده و وابستهٔ انصار بود. وی از زیدبن ثابت و ابوهریره و ابوسعید خدری و گروه بسیاری از اصحاب پیامبر(ص) روایت کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۳۷/۵).

۳. ابواسحاق کعب بن ماته حمیری ملقب به کعب الاحبار (۳۲ق) از بزرگان یهودی یمن بود که در زمان خلافت ابوبکر به مدینه آمد و اسلام را پذیرفت. کسانی چون ابن عباس، ابوهریره، مالک بن ابی عامر و عطاء بن ابی رباح از او روایت کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۸/ ۴۳۸-۴۳۹). در این میان، معاشرت عمر با کعب و تعلق خاطر معاویه به داستان‌های پیشینیان، بر رواج این داستان‌ها در میان مسلمانان تأثیر گذاشت (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۲۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۱/۳).

تصویری در بعثت و پس از آن کم‌رنگ شد و نشان چندانی از آن باقی نمانده است. در این بازه زمانی، پیامبر(ص) به علت تحریم قریش سختی و مشقت زیادی متحمل می‌شود، در دوره حضور در مدینه نیز در میدان جنگ زخمی می‌شود و دندانش می‌شکند (واقعی، ۱۴۰۹: ۲۴۲/۱). تفاوت معنادار میان این دو تصویر (دوره کودکی و نوجوانی و دوره پیامبری) چنین پرسشی را به ذهن متبادر می‌کند که چرا رخدادهای خارق‌العاده بشری در دوران کودکی و نوجوانی او -درحالی‌که هنوز به پیامبری نرسیده- بیشتر است؟ بر اهل علم روشن است که اعجاز پیامبران در پاسخ به درخواست مخاطبان برای اثبات نبوت صورت می‌گرفت؛ بنابراین برای محمد(ص) که هنوز به پیامبری نرسیده، چه ضرورتی برای بروز چنین اعجازهایی وجود داشته است؟ از طرفی، این اتفاقات نباید از چشم بزرگان و سران قریش که بیشترین دشمنی و مانع‌تراشی علیه او انجام دادند، پنهان مانده باشد (ولوی، ۱۳۸۱: ۲۳۵-۲۳۶).

### ۳. منابع مورد استفاده در فیلم محمد رسول‌الله

منابع محل رجوع فیلم محمد رسول‌الله(ص) -که در انتهای فیلم معرفی شده‌اند- نشان می‌دهد که مراجعه فیلم‌ساز به کتاب‌های الاصنام ابن کلبی (متوفای ۲۰۴ق)، اخبار مکه ازرقی (متوفای ۲۵۰)، سیره النبویه ابن هشام (متوفای ۲۱۸ق)، تاریخ طبری (متوفای ۳۱۰) و سیرت رسول‌الله ابن اسحاق ترجمه رفیع‌الدین اسحاق همدانی (متوفای ۶۲۳) بوده است. واضح است که بیشترین اطلاعات جغرافیایی مکه از کتاب اخبار مکه، وضعیت بت‌پرستی در منطقه حجاز از کتاب الاصنام و اطلاعات تاریخی درباره زندگی پیامبر(ص) -که تکیه اصلی مقاله بر آن است- از سیره ابن هشام، تاریخ طبری و سیرت رسول‌الله ابن اسحاق اخذ شده است.

تمامی آثار نام‌برده مربوط به قرن دوم تا چهارم قمری و در زمره منابع دست اول تاریخی می‌باشند. این منابع به سبب قدمت ارزشمندند، اما این ویژگی به معنای اعتماد کامل به داده‌های مندرج در آنها نیست. اخذ داده‌ها از طریق سنت شفاهی، حضور و نقش پررنگ عالمان یهودی و گاه مسیحی نومسلمان در تاریخ‌نگاری‌های اولیه و مرادده مورخان اسلامی با این عالمان، نمی‌تواند در بازتاب اخبار اسرائیلی در این منابع بی‌تأثیر باشد. آنچه اهمیت دارد میزان نفوذ اسرائیلیات در آثار نام‌برده است. بنا بر شواهد تاریخی و واکنش عالمان اسلامی در برخورد با این پدیده (که شرح آن در تیتراژی گذشت)، سیره ابن اسحاق بیشترین حجم از اسرائیلیات مربوط به زندگانی پیامبر(ص) را به خود اختصاص داده است. در سایر منابع نیز کم‌وبیش به بازتاب اخباری با منشأ اسرائیلی و نصرانی پرداخته شده است. از جمله کتاب اخبار مکه که به سبب مکی بودن نویسنده، آگاهی گسترده او درباره موضوع، اعتماد عالمان و

مکی‌شناسان به آن و مستند بودن گزارش‌ها در بُعد جغرافیایی، منبع مناسبی برای فیلم است، اما این کتاب در بخش تاریخی به‌خصوص داستان آفرینش بی‌تأثیر از اسرائیلیات نیست؛ زیرا بیشتر اخبار آن را از وهب‌بن منبه و کعب‌الاحبار نقل کرده است (ازرقی، ۱۴۱۶: ۴۰/۱). البته این بخش تاریخی مدّ نظر فیلم نبوده، اما احاطهٔ روایت‌های اسرائیلی منقول از وهب‌بن منبه و کعب‌الاحبار در قرون اولیه قمری بر متون اسلامی را نشان می‌دهد.

کتاب *الاصنام* ابن‌کلبی مهم‌ترین اثر دربارهٔ وضعیت دینی جامعهٔ عرب قبل از اسلام است و از این حیث منبع مهمی برای أخذ داده‌های تاریخی است. ارباب سیر و تاریخ، با اعتماد به این کتاب به نقل اخبار آن در آثار خود پرداخته‌اند (ابن‌کلبی، ۱۳۶۴: ۴۳). مراجعهٔ فیلم‌ساز به این منبع از نقاط قوت بوده که می‌توانست اطلاعات مبتنی بر امر واقع از شرایط بت‌پرستی مکه را نشان دهد. در این کتاب به اقتضای موضوع، اخباری در مورد زندگی پیامبر(ص) در دوران کودکی و نوجوانی بیان نشده است؛ به همین دلیل به دور از فضای قصه‌گویی موجود در سیره‌نگاری ابن‌اسحاق، رنگ تاریخ و وقایع‌نگاری در آن برجسته شده است.

*تاریخ طبری* نیز بعد از سیره ابن‌اسحاق نگاشته شده و بخش مهمی از اطلاعات مربوط به سیرهٔ نبوی را از ابن‌اسحاق أخذ کرده است. در واقع، سرمنشأ اسرائیلیات موجود در تاریخ طبری، ابن‌اسحاق است؛ به همین دلیل سیرهٔ ابن‌اسحاق به عنوان مروج اسرائیلیات در ارتباط با زندگانی پیامبر(ص) در تاریخ اسلام، قابلیت نقد جدی دارد و باید با احتیاط داده‌های تاریخی را از آن أخذ کرد. با وجود چنین اشکالی، بیشترین تصویرسازی موجود در فیلم محمد رسول‌الله در بُعد تاریخی براساس داده‌های همین کتاب صورت گرفته است. قصه‌پردازی موجود دربارهٔ پیامبر(ص) و چگونگی اتفاقات دوران کودکی و نوجوانی وی در فیلم، با تکیه بر این عناوین از سیرهٔ ابن‌اسحاق است: «در مولود پیغمبر» (ابن‌اسحاق، ۱۳۷۷: ۱۴۳/۱)؛ «در شیر خوردن پیغمبر» (همان، ۱۴۵)؛ «در کفالت ابوطالب» (همان، ۱۵۷)؛ «حکایت باز رفتن سید به سفر شام» (همان، ۱۶۵)؛ «در خبر باز دادن اخبار یهود و رهبان نصاری و کهنه عرب از مبعث پیغمبر ما صلوات الله علیه» (همان، ۱۷۸). همان‌طور که از عناوین مشخص است، دورهٔ کودکی و سپس نوجوانی پیامبر(ص) در چند قسمت مهم که به صورت پیوستار و منسجم به هم ارتباط دارند، مطرح شده است. در واقع، قالب کلی از زندگی وی به صورت قصه‌های کوتاه در قسمت‌های مختلف آمده است. در هر یک از این قسمت‌ها، قالب و محتوای روایت‌های تاریخی به صورت قصه‌ای که در آن اتفاقات خارق‌الشرعی و در عین حال جذاب و عام‌پسند رخ داده، بیان شده است. در قصه‌پردازی ابن‌اسحاق که سبک و شیوهٔ آن به قصه‌های پیامبران اسرائیلی در تورات شباهت دارد، حضور فرشتگان، تشعشع نور آسمانی، شهاب‌باران آسمان،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۵۷

توانمندی عالمان یهودی و نصرانی، پیشگویی‌های دقیق آنها و غیره جلوه جذاب و عام‌پسند به زندگی پیامبر(ص) داده و به نوعی تبدیل به باور عمومی کرده است؛ به همین سبب مسلمانان ناآگاهانه آن را نوعی فضیلت برای وی دانسته‌اند؛ غافل از اینکه چنین تصویرسازی‌های قصه‌گونه واقعیت زندگی محمد(ص) را به حاشیه برده است. این قصه‌پردازی‌ها زمانی رنگ افسانه به خود می‌گیرد که از واقعیت دور شوند. این امر بر سیمایی که ابن‌اسحاق از دوران کودکی و نوجوانی پیامبر(ص) ارائه داده، تا حدودی سایه انداخته و واقعیت شخصیت او در این دوره از زندگی را که مبتنی بر ویژگی‌هایی چون راستگویی، امانت‌داری، درستکاری و غیره بود، کم‌رنگ کرده است.

کتاب‌های پژوهشی از دیگر آثار محل رجوع فیلم محمد رسول‌الله بوده‌اند. این کتاب‌ها نظیر *فروغ ابدیت، ابوطالب، مظلوم تاریخ، سیرت جاودانه* و غیره نیز به درستی درک نشده، بلکه با همان ذهنیت و متأثر از فضاسازی موجود در کتاب سیره ابن‌اسحاق که ذهنیت اصلی و زوایه دید سازندگان فیلم را شکل داده، از آنها استفاده شده است. گویا فیلم‌ساز نیز به این باور رسیده بود که چنین موهومات اسرائیلی برای پیامبر(ص) فضیلت است و دست بردن و حذف آن را به نوعی فضیلت‌زدایی از وی دانسته است؛ به همین سبب با همان ذهنیت از آثار پژوهشی نیز کمک گرفته است. اگر اراده‌ای برای به تصویر کشاندن سیمای واقعی رسول اکرم(ص) - که در این دوره از زندگی نمونه بارز انسانی اخلاق‌مدار، زیرک، مقید به حفظ اصول انسان و غیره در فضای فکری منبعث از سنت‌های اجتماعی و چندگانه‌پرستی بود- وجود داشت، باید برای تولید و ساخت فیلمی با این درجه از اهمیت (که یکی از پرهزینه‌ترین فیلم‌ها در تاریخ سینمای ایران بوده) صرف نظر از پژوهش‌های موجود، پژوهشی جدی، مستقل و کارشناسانه انجام می‌شد و مبنای ساخت فیلم قرار می‌گرفت. اقدامی که در فیلم «محمد رسول‌الله» ساخته مصطفی عقاد صورت گرفت. در آن فیلم کاملاً رویکرد کارشناسی بر موضوع آشکار است و فیلم ضمن برخوردار از جذابیت، کوشیده است واقعیات تاریخی را به دقت شناسایی و به تصویر بکشد. فیلم محمد رسول‌الله مجیدی به لحاظ تکنیک فیلم‌برداری و فیلم‌سازی قوی‌تر است، اما نتوانسته تأثیر ماندگار و واقعی‌تری نسبت به فیلم مصطفی عقاد بر جای بگذارد.

#### ۴. انعکاس اسرائیلیات در فیلم محمد رسول‌الله(ص)

بازتاب اسرائیلیات در فیلم محمد رسول‌الله در وقوع حوادث شگفت‌انگیز همزمان با میلاد او، ارتباط محمد(ص) با حلیمه، پیشگویی عالمان یهودی و مسیحی در مورد نبوت محمد(ص) و فعالیت‌های یهودیان در مکه قابل مشاهده است.

### اتفاقات شگفت‌انگیز همزمان با تولد محمد(ص)

در فیلم همزمان با ولادت پیامبر(ص) اتفاقاتی چون شهاب‌باران و نورانی شدن آسمان، اضطراب عالم یهودی و تأکید او بر آمدن شریعت جدید - که با توصیف دوستی قوم یهود و بهره‌مندی مردم از کلام پیغمبر جدید همراه شده بود- و سرنگونی بت‌ها یکی پس از دیگری در مقابل چشمان عبدالمطلب رخ داد. چنین تصویرسازی ممکن است در ظاهر مبین عظمت و فضیلت پیامبر(ص) باشد (و فیلم‌ساز نیز با این ذهنیت اقدام به تصویرسازی کرده باشد)، اما سیمای واقعی و انسانی پیامبر(ص) را پنهان کرده است.

دربارهٔ ویران شدن بت‌های کعبه همزمان با ولادت محمد(ص)، تناقض‌های جدی وجود دارد. اگر هدف از شکستن بت‌ها از میان رفتن نشانه‌های شرک همزمان با تولد پیامبر(ص) بوده باشد، باید چنین رخدادی در مقابل دیدگان بزرگان و سران مکی اتفاق می‌افتاد؛ زیرا بنا بر ساختار اجتماعی موجود در مکه، آنان نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها داشتند. کما اینکه بعد از بعثت رسول اکرم(ص) نیز همین افراد بیشترین مخالفت با او را ابراز کردند؛ درحالی‌که در فیلم این صحنه فقط در مقابل چشمان عبدالمطلب که خود بر دین حنیف بود و خدای یکتا را می‌شناخت، به وقوع پیوست (مسعودی، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۲). منشأ این نوع تصویرپردازی این روایت از ابن‌اسحاق است که: «و مردم را زمین‌لرزه‌ای فرا گرفت که به همه جای دنیا رسید تا آنجا که کلیساها و کنش‌ها ویران گشت و هر چیزی که جز خدا پرستش می‌شد از جای خود کنده شد» (ابن‌اسحاق، ۱۳۷۷: ۱۴۴/۱).

این روایت که در فیلم در قالب خرد شدن بتان کعبه به نمایش درآمده، به حدی مخدوش است که با اندکی تأمل، جعلی بودن آن مشخص می‌شود. نخست آنکه کلیسا و کنشت، عبادتگاه‌های مسیحیان و یهودیان یکتاپرست بود و خدای یکتا در آنجا پرستش می‌شد. دوم، اگر هر عبادتگاهی که در آن غیر خدا مورد ستایش قرار می‌گرفت، با میلاد پیامبر(ص) از بین می‌رفت، رسالت وی در مبارزه با بت‌پرستی و شرک معنا و مفهومی نداشت؛ زیرا چیزی باقی نمی‌ماند که با آن به مبارزه برخیزد. درحالی‌که واقدی اذعان داشته است در زمان فتح مکه حدود ۳۶۰ بت در کعبه و اطراف آن وجود داشت و پیامبر(ص) پس از غلبه بر مکه با خواندن آیهٔ «جاء الحقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سورهٔ اسراء، آیهٔ ۸) آنها را شکست (واقدی، ۱۴۰۹: ۸۳۲/۲).

### محمد(ص) و حلیمه

بخشی از عمر محمد(ص) در کودکی در خانه حلیمه سعیدیه گذشت. براساس منابع تاریخی،

مطابق رسم معمول مردم مکه کودکان را به زنان بادیه می‌دادند تا در محیط بادیه پرورش یابند. رشد کودک در فضا و محیط آزاد، سالم ماندن از بیماری و با در مکه (بلعمی، ۱۳۷۸: ۷۵۱/۲) یادگیری زبان فصیح عربی و تمرین فصاحت و بلاغت - که در جامعه عرب اهمیت داشت - از اهداف چنین رسمی بود. بدون شک این شرایط اجتماعی بر زندگی پیامبر(ص) هم تأثیر گذاشت و او در کودکی به دایه سپرده شد.

بازتاب این واقعه در فیلم با صحنه‌سازی‌های عجیبی همراه شده است. از یک طرف نداشتن شیر کافی توسط آمنه، مادر محمد(ص) - که تاریخ نیز بر آن صحنه گذاشته - برجسته شده؛ درحالی‌که حلیمه نیز از شیر کافی برخوردار نبود و به گونه‌ای اعجاز‌آمیز پس از آشنایی با محمد از شیر کافی برای سیر کردن محمد(ص) و فرزندش برخوردار شد. از طرف دیگر، فرار شتر شوهر حلیمه و خوابیدن او در منزل آمنه<sup>۱</sup> سبب آشنایی حلیمه با محمد(ص) و مادرش شد. این نوع تصویرسازی از یک واقعه تاریخی این تناقض را ایجاد می‌کند که چرا چنین اعجازی در مورد آمنه صورت نگرفت تا نیاز نباشد محمد(ص) از شیر زنان دیگر استفاده کند. علاوه بر آن، خاستگاه خانوادگی و جایگاه اجتماعی فرزند آمنه بر همگان شناخته شده بود؛ زیرا در آن زمان پیامبر(ص) تحت کفالت پدر بزرگش عبدالمطلب، بزرگ و سرور قریش قرار داشت. بعید است کودک یتیم آمنه برای زنان سعدیه به حدی ناشناس بوده باشد که دستی از غیب با فراری دادن شتر، سبب آشنایی حلیمه با محمد(ص) و مادرش شده باشد. بنا بر گزارش‌های تاریخی، عاملی که زنان را از گرفتن فرزند آمنه برحذر داشت، نداشتن پدر بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۸/۱). ضرورت داشت در تولید چنین فیلمی در مورد شخصیت تاریخ‌سازی چون محمد(ص)، مطالعه دقیق‌تری درباره شرایط اقلیمی، جغرافیایی، ساختار اجتماعی و وضعیت فرهنگی محل زیست او صورت گیرد تا امکان ارائه تصویری واقعی‌تر به بیننده فراهم شود.

تعقیب و گریز یهودیان برای کشتن محمد(ص) در خانه حلیمه و دست بردن به جادو و جنبل، بخش دیگری از تصویرسازی فیلم در زمان حضور پیامبر(ص) در خانه حلیمه است. ممکن است این صحنه‌سازی‌ها از نصرانیات گرفته شده باشد، اما گویای چهره واقعی محمد(ص) نیست. به گفته زرگری‌نژاد، چنین اخباری زائیده منازعات پنهانی نومسلمانان مسیحی و یهودی بوده و توسط مسلمانان ساده‌اندیش که فکر می‌کردند با این اخبار به بزرگ‌نمایی پیامبر(ص) کمک می‌کنند، در تاریخ اسلام ثبت شده است (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸:

---

۱. به نظر می‌رسد این صحنه از تصمیم زیرکانه و هوشمندانه پیامبر(ص) در زمان هجرت به مدینه اخذ شده باشد؛ زمانی که پیامبر(ص) به یثرب رفت و برای جلوگیری از اختلاف اوس و خزرج در مورد محل سکونت خود، فرمود شتر مأمور است، هر جا بایستد همان‌جا منزل می‌گزیند (یعقوبی، [بی‌تا]: ۴۲/۲).

۱۸۶-۱۸۷). با توجه به این نقدها و شک و تردیدها که دربارهٔ صحت این اخبار مطرح شده، فیلم‌ساز به چنین اسناد جعلی اعتماد کرده و آنها را در فیلم بازتاب داده است. این رویکرد، در پیشگویی‌های مکرر عالمان یهودی و مسیحی در مورد نبوت محمد(ص) - که با نشان دادن عبادتگاه‌های تمیز، مجلل و زیبای آنها نیز همراه شده - نیز نمایان است.

### پیشگویی اخبار یهودی و رهبانان مسیحی در مورد پیامبری محمد(ص)

در فیلم محمد رسول الله چهرهٔ عالمان اسرائیلی و نصرانی در پس‌ایفای نقشی که در پیشگویی نبوت محمد(ص)، حفاظت از جان او و یا اقدام به قتل او داشتند، ناخواسته به حدی برجسته شده که بر محتوای کلی فیلم تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است. شناسایی محمد(ص) از فاصلهٔ دور، مشاهدهٔ مشخصات نبوت، جست‌وجوی مهر نبوت در میان کتف او، تعقیب سایه به سایه محمد(ص) و تلاش برای کشتن وی و غیره از جمله مواردی است که کارگردان فیلم محمد رسول الله بدون احتیاط و با تأثیرپذیری از قصه‌پردازی موجود در سیره ابن‌اسحاق و دیگر منابع مورد استفاده، در فیلم به صورت وسیعی بازتاب داده است.

در فیلم، عالمان یهودی از بدو تولد پیامبر(ص) با شناختی که نسبت به آیندهٔ او داشتند (توان پیشگویی درست و دقیق این عالمان، آنان را افرادی صاحب‌تشخیص و برخوردار از قدرت معنوی معرفی کرده و این همان هدفی است که یهودیان و مسیحیان نومسلمان در ورود به ثبت سیره پیامبر(ص) توسط مورخان اسلامی داشتند)، به شیوه‌های مختلف درصدد قتل او برآمدند. کوشش و اصرار آنان در انجام چنین عملی، با تغییر رفتار یکی از عالمان یهودی به نام ساموئل<sup>۱</sup> که اطلاعات چندانی در مورد او در منابع تاریخی وجود ندارد، پایان می‌یابد. در این تصویرسازی‌ها تلاش شده است چهرهٔ یهودیان در ضدیت با محمد(ص) برجسته‌تر شود؛ درحالی‌که چهرهٔ مسیحیان ملایم، با عطف و حتی دل‌نگران نسبت به جان محمد(ص) و به عبارتی در جهت همراهی با او ترسیم شده است؛ به همین دلیل بحیرا پس از ملاقات با محمد(ص)، ضمن تکریم وی و همراهانش، نگرانی و تشویش خاطر خود را از

۱. دربارهٔ شخصیت ساموئل که در فیلم فردی صاحب دانش، دارای فضل و اهل تفکر معرفی شده، اخبار اندکی در منابع تاریخی وجود دارد و آن دربارهٔ «تبع» حاکم یمن است. ابن‌سعد در روایتی به نقل از واقدی به مکالمهٔ ساموئل و تبع که به حجاز لشکر کشیده بود و قصد ویرانی آنجا را داشت، اشاره کرده است. گفت‌وگوی موجود که قالب قصه‌پردازی دارد و بعید نیست ساختهٔ یهودیان بوده باشد، به صورتی است که ساموئل برای برحذر داشتن تبع از ویرانی یترب، به ظهور پیامبر(ص) اشاره کرده و با این سخنان حاکم یمن را از ویرانی منطقه برحذر داشته است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۲۶/۱). بعدها در قرن ششم ابن‌جوزی (متوفای ۵۹۷) در کتاب *المنتظم* همین خبر را تکرار کرد (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۲).



خطری که از جانب یهودیان متوجه او شده بود، اعلام کرد.

این قصه‌پردازی برای نخستین بار توسط ابن اسحاق (متوفای ۱۵۱ق) انجام گرفت و از طریق ابن هشام ([بی تا]: ۱۸۰/۱-۱۸۱) به مورخان بعدی منتقل شد. ابن سعد (۱۴۱۰: ۱۲۲/۱-۱۲۳)، بلاذری (۱۴۱۷: ۹۶/۱-۹۷)، طبری (۱۳۸۷: ۲/۲۷۷)، مسعودی (۱۴۰۹: ۸۹/۱)، مقدسی ([بی تا]: ۱۳۴/۴)، بیهقی (۱۴۰۵: ۲۷/۲-۲۸)، ابن عبدالبر (۱۴۱۲: ۳۴/۱-۳۶) و غیره از جمله مورخان بودند که این قصه ساختگی ابن اسحاق را به نسل‌های بعدی انتقال دادند و به ماندگاری و رواج آن در میان مسلمانان کمک کردند.

بررسی هویت فردی و دینی بحیرا به تحقیقات گسترده‌ای نیاز دارد، اما گویا وی راهبی نسطوری به نام «جرجیس» بوده (مسعودی، ۱۴۰۹: ۸۹/۱) و در دیری در نزدیکی بُصری اقامت داشته است. نکته مهم درباره این شخص که بیشترین داده‌های تاریخی موجود در منابع بر ملاقات او با محمد(ص) متمرکز است، اینکه افرادی مانند او در آن منطقه زیاد بودند و پس از اسلام، به‌خصوص در دوره عباسیان متأثر از حضور نسطوریان در دربار خلافت، در منابع اسلامی برجسته شدند. بنابراین قصه ملاقات بحیرا با پیامبر(ص) در سفر تجاری محمد(ص) به شام در سن نوجوانی به دلایل زیر قابل اعتماد نیست.

۱. تلاش مسیحیان برای بزرگ‌نمایی خدمات خود به اسلام و بدنام کردن یهودیان به عنوان گروه رقیب و مخالف (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸۷). مراجعه به متن گفت‌وگوی بحیرا با ابوطالب این مقصود آنان را روشن می‌سازد. خطاب بحیرا به ابوطالب چنین بود که: «اکنون این برادرزاده‌ات را به شهر و دیار خود بازگردان و او را از یهودیان محافظت کن که به خدا اگر آنچه من نسبت به این فرزند دیدم و اطلاع دارم آنان نیز به آن اطلاع پیدا کنند به او آسیبی می‌رسانند» (ابن هشام، [بی تا]: ۱۸۰/۱-۱۸۲).

این پیشگویی در شرایطی گفته شده که مطابق اسرائیلیات موجود در منابع، عالمان یهودی با قدرت علمی و معنوی، از همان بدو تولد به وجود چنین کودکی آگاهی داشتند. درواقع، علمای اسرائیلی و نصرانی هر دو از قدرت تشخیص و پیشگویی برخوردار بودند؛ با این تفاوت که یهودیان درصدد شناسایی و قتل محمد(ص) بودند؛ درحالی‌که عالم مسیحی در تلاش برای حفظ جان او از تعرض رقیب خود بوده است. این نزاع دینی در نتیجه منازعات و رقابت‌های پنهانی یهود و مسیحی ایجاد شده بود و بر سیره پیامبر(ص) نیز سایه انداخت.

۲. شواهد تاریخی حاکی از آن است که ابوطالب، عموی پیامبر(ص) بهره چندانی از مکنت مالی نداشت؛ به همین سبب پیامبر(ص) در نوجوانی برای کمک به او مدتی به چوپانی پرداخت. درحالی‌که تجارت مستلزم سرمایه بود و بعید به نظر می‌رسد ابوطالب سرمایه کافی،

آن هم در حد کاروان بزرگ تجاری به شام داشته باشد. همچنین محمد(ص) نیز از سرمایه و ارثیه چندانی برخوردار نبود. وقتی وی در ۲۵ سالگی برای خدیجه به سفر تجاری رفت، شخصاً سرمایه‌ای نداشت و با دریافت حق مزد (طبق قراردادی که انجام گرفت) برای خدیجه تجارت کرد (ابن هشام، [بی تا]: ۱۸۷/۱).

۳. درباره سن محمد(ص) هنگام ملاقات با بحیرا، در منابع اتفاق نظر وجود ندارد. بلاذری دوازده سال (۱۴۱۷: ۹۶/۱-۹۷)، یعقوبی ۱۱ سال ([بی تا]: ۱۴/۲)، طبری هفت سال (۱۳۸۷: ۲۷۷/۲) و ابن عبدالبر سیزده سال (۱۴۱۲: ۳۴/۱) بیان کرده‌اند. همراه بردن نوجوان کم سن و سال در این سفر پرمخاطره با توجه به محبتی که ابوطالب به پیامبر(ص) داشت، دور از عقل و منطق است (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸۸).

مجموعه دلایل فوق و عوامل متعدد دیگر که بیان آنها به اطالۀ بحث می‌انجامد، صحت چنین روایت‌هایی را زیر سؤال می‌برد. بنابراین هرچند چنین نقدهایی بیشتر متوجه داده‌های تاریخی موجود در منابع است، اما کم‌توجهی و بی‌دقتی فیلم‌ساز در بخش پژوهش فیلم قابل چشم‌پوشی نیست. ضرورت داشت برای به تصویر کشاندن شخصیتی چون محمد(ص) به عنوان مؤسس دین اسلام و محل رجوع مسلمانان با هر گرایش عقیدتی و مذهبی، اهتمام جدی در بخش پژوهش صورت می‌گرفت تا القاکننده تصویر اسرائیلی و نصرانی از وی به جامعه نباشند. پیشتر بازتاب چنین تصویری از پیامبر(ص) در منابع تاریخی، به عنوان دلیل و نشانه‌ای برای کسب علم از راهبان مسیحی توسط وی، مورد سوء استفاده مستشرقان قرار گرفته بود و آنان با استناد به چنین اخباری، منشأ وحیانی بودن پیام‌های پیامبر(ص) را زیر سؤال برده بودند (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸۶-۱۸۷). ساخت فیلم براساس این روایت‌ها در کشوری که مدعی ارائه اسلام ناب محمدی است، مهر تأییدی بر تحلیل مستشرقان خواهد زد. ناآگاهی و کم‌اطلاعی سازندگان فیلم نسبت به ساختار اجتماعی و فضای جغرافیایی منطقه حجاز از یک سو و وجود پیش‌فرض‌های ذهنی در ارائه چهره‌ای خشن از یهودیان از سوی دیگر، سبب خلق صحنه‌هایی خلاف واقع از حضور یهودیان در مکه شده است. بنا بر تصاویر فیلم، هرچند تکاپوهای ساموئل عالم یهودی برای پیدا کردن طفل بنی‌هاشم، سبب حضور مکرر او در مکه شد، اما گفت‌وگوی او با عبدالمطلب نشانه‌هایی از حضور دیگر یهودیان در مکه دارد. در یکی از صحنه‌های فیلم، ساموئل درحالی که مکیان از کمبود مواد غذایی در تنگنا بودند، مقداری گندم و پارچه به عبدالمطلب داد. وقتی عبدالمطلب می‌پرسد چگونه جبران کنم، پاسخ داد: «جبرانی در کار نیست وقتی شما دارید میان خود و یهودیان به تساوی تقسیم می‌کنید» و عبدالمطلب گفت: «اینها هم ساکنان این دیار و برادران ما هستند و حق هم‌جواری

سرنوشت ما را به هم پیوند داده است».

این گفت‌وگو در حالی مطرح شده است که مطابق با اسناد تاریخی هیچ یهودی در مکه سکونت نداشته و با مکیان هم‌جوار نبوده تا از تقسیم‌بندی مایحتاج توسط عبدالمطلب بهره برده باشد. آنان در یثرب ساکن بودند و بیشترین فعالیت اقتصادی یثرب را نیز در دست داشتند. بر این مبنا چنین تصویرسازی از اساس غلط است.

واقعیت تاریخی حاکی از آن است که مکیان، یهودیان را عالمانی دارای کتاب می‌شناختند، اما پس‌زمینه ذهنی نسبت به پیشگویی آنان در مورد نبوت محمد(ص) نداشتند؛ به همین سبب وقتی پیامبر(ص) رسالت خود را اعلام کرد، آنان برای کسب اطلاع از صحت ادعای وی، «نضر بن حارث» و «عقبه بن ابی معیط» را به یثرب نزد علمای یهود فرستادند تا درباره حقایق رسالت پیامبر(ص) از آنان سؤال کنند. عالمان یهودی نیز توصیه کردند با طرح سؤالاتی درباره «اصحاب کهف»، «ذوالقرنین» و «روح» وی را بیازمایند (ابن هشام، [بی‌تا]: ۳۰۱-۳۰۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱/۱۴۹). چنین داده‌هایی در منابع تاریخی، از یک سو تفاوت سیمای پیامبر(ص) قبل و بعد از بعثت را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ادعاهای موجود مبنی بر پیشگویی عالمان یهودی در زمان تولد او، شناسایی محمد(ص) توسط یهودیان و اقدام مکرر آنان برای قتل او را که در فیلم پررنگ شده بود، زیر سؤال می‌برد. بنابراین می‌توان گفت فیلم محمد رسول‌الله مجیدی بیش از آنکه تصویری واقعی از پیامبر(ص) قبل از بعثت را نشان دهد که بر ویژگی‌های شخصیتی وی چون راستگویی، امانت‌داری، درستکاری و اعتماد مردم استوار بود، عرصه بازنمایی اسرائیلیات و مناقشات عالمان یهودی و مسیحی درباره پیامبر(ص) شده و چهره‌ای مخدوش از کودکی و نوجوانی پیامبر(ص) ارائه داده است.

### نتیجه‌گیری

نفوذ عالمان یهودی و نصرانی نومسلمان بر خلفای اولیه و مراجعه مورخان اسلامی به آنان، زمینه یک تفسیر اسرائیلی و نصرانی از حیات پیامبر(ص) قبل از بعثت را فراهم آورد. کم نیست روایت‌هایی که از طریق افرادی چون «کعب قرظی»، «وهب بن منبه» و «کعب الاحبار» به تاریخ اسلام وارد و با نام سیره نبوی در منابع اولیه، به‌ویژه سیره رسول‌الله ابن اسحاق ثبت شد. نفوذ این اخبار به حدی است که حتی بسیاری از بزرگان و عالمان اسلامی نیز آنها را پذیرفته و در آثار خود بازتاب داده‌اند. فیلم‌ساز محمد رسول‌الله نیز ناآگاهانه و متأثر از جذابیت ظاهری این روایت‌ها، کلیت فیلم را در چنین قالبی طراحی کرده است. جعلی بودن چنین داده‌هایی، از نوع مواجهه سران و بزرگان قریش و عالمان یهودی و

مسیحی با پیامبر(ص) قابل تشخیص است. مطابق شواهد تاریخی، سران قریش پس از بعثت پیامبر(ص) بدون پس‌زمینه ذهنی تا زمانی که رسول اکرم(ص) متعرض خدایانشان نشده بود، واکنش شدیدی در برخورد با وی نداشتند و وقتی که نسبت به مضامین دین اسلام آگاهی یافتند، از شگردهای مختلف برای مقابله با پیامبر(ص) استفاده کردند. درحالی‌که عالمان مسیحی و یهودی به زعم اخبار موجود در سیره درباره پیشگویی‌هایی که در مورد نبوت پیامبر(ص) کرده بودند، نه تنها به وی ایمان نیاورده بودند، بلکه بیشترین دشمنی را با او داشتند.

در فیلم محمد رسول‌الله، تحریف واقعیت‌های تاریخی متأثر از سیره ابن‌اسحاق، غلبه نگرش‌های کلامی، فضیلت‌سازی‌های ناروا، تمرکز بر جذب مخاطب عام، عدم آگاهی تاریخی، بی‌توجهی به سیمای پیامبر(ص) در قرآن، فیلم را از بُعد واقعی و تاریخی خارج کرد و واقعیات تاریخی جای خود را به نگرش‌های کلامی عام‌پسند داده است. برجستگی چنین فضایی در فیلم، حضور انسان مختار، بالغ، مجاهده‌گر، صاحب تفکر و به کمال رسیده را که وجوه بارز شخصیت محمد(ص) قبل از بعثت بود، کم‌رنگ کرده است. انتظار می‌رفت کارگردان بخشی از فیلم را به شخصیت واقعی رسول اکرم(ص) که الگو و اسوه‌ای نیکو و همسو با نیاز روز فرهنگی جامعه است، اختصاص می‌داد. واضح و مبرهن است که پیامبر(ص) قبل از بعثت در حالی در فضای فکری، فرهنگی و اجتماعی مکه زندگی می‌کرد که به صداقت و امانت‌داری مشهور بود و مکیان به او لقب محمد امین داده بودند. این لقب تشریفاتی و یا از سر ارادت نبود، بلکه چنین لقبی را بنا بر شرایط اقتصادی مکه به افراد امانت‌دار و مورد اعتماد می‌دادند. این ویژگی شخصیتی پیامبر(ص) در حدی برای مکیان قابل احترام بود که در حساس‌ترین و مهم‌ترین اقدام خود، یعنی نصب حجرالاسود رأی و نظر او را پذیرا شدند. بنابراین ضرورت داشت چهره واقعی محمد(ص) با رعایت ویژگی‌ها و خصلت‌های انسانی او به بیننده منتقل شود. دست بردن به دامان امور خارق‌البشری نتیجه‌ای جز فاصله انداختن میان پیامبر(ص) و پیروانش به همراه نخواهد داشت. درحالی‌که اگر چهره واقعی وی با تکیه بر صفات برجسته مذکور به تصویر کشیده می‌شد، می‌توانست القا‌کننده‌الگوی صحیح و شایسته به بیننده باشد.

## منابع و مأخذ

- ابن اسحاق، محمد (۱۳۷۷)، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع الدین اسحاق همدانی، ج ۱، تهران: خوارزمی.
- ابن بکار، زبیر (۱۴۱۶)، اخبار الموقیبات، قم: شریف رضی.
- ابن حبان، محمد (۱۳۹۲)، الثقات، ج ۷، حیدرآباد دکن: مؤسسة الكتب الثقافية.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، الاصابه فی تمييز الصحابه، تصحیح عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، ج ۱، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴)، تهذیب التهذیب، ج ۸، بیروت: دار الفكر و للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲)، المنتظم، ج ۲، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸)، کتاب العبر، ج ۱، بیروت: دار الفكر.
- ابن خلکان، احمد بن محمد [بی تا]، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۴، بیروت: دار الفكر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، تصحیح محمد عبدالقادر، ج ۱، ۵، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تصحیح علی محمد البجاوی، ج ۱، بیروت: دار الجیل.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، البداية و النهاية، ج ۲، بیروت: دار الفكر.
- ابن کلبی، هشام بن محمد (۱۳۶۴)، الاصنام (تنکیس الاصنام)، قاهره (افست تهران): نشر نو.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲)، کتاب المعارف، تصحیح ثروت عکاشه، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق [بی تا]، الفهرست، بیروت: دار المعرفه.
- ابن هشام، عبدالملک [بی تا]، السیرة النبویه، تصحیح مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفص شلیبی، ج ۱، بیروت: دار المعرفه.
- احمدزاده، علیرضا (۱۳۸۸)، فرهنگ واژگان سینمایی، تهران: افراز.
- ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۶)، أخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، بیروت: دار الأندلس.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق)، انساب الاشراف، ج ۱، ۹، بیروت: دار الفكر.
- بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۷۸)، تاریخنامه طبری، ج ۲، تهران: انتشارات سروش.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵)، دلائل النبوه و معرفة أحوال صاحب الشریعة، تصحیح عبدالمعطی قلجعی، ج ۲، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، تصحیح مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱، بیروت: دار الكتب العلمیه.

۶۶ / بازتاب اسرائیلیات در فیلم محمد رسول‌الله (ص) (قبل از بعثت) / هدیه تقوی

- حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۳)، معجم الأدباء، ج ۴، ۶، بیروت: دار الغرب الإسلامي.
- چرچ گیسون، پاملا و جان هیل (۱۳۸۲)، رویکردهای انتقادی در مطالعات فیلم، ترجمه علی عامری مهابادی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- دوائی، پرویز (۱۳۶۹)، فرهنگ واژه‌های سینمایی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، الازهر: لجمع البحوث الاسلامیه.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۸)، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، ج ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رمزی، نعنانه (۱۳۹۰)، الاسرائیلیات و الاثرها فی کتب التفسیر، دمشق: دار القلم.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، الاعلام، ج ۹، بیروت: دار العلم للملایین.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: انتشارات سمت.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات نشانه‌های معنوی در سینما، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی [بی تا]، طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۱، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۰۱)، الوافی بالوفیات، ج ۲، بیروت: دار النشر فرانز شتاینر.
- طبری، محمد بن جعفر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دار التراث.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۷)، طبقات مفسران شیعه، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- فرجامی، اعظم (۱۳۹۲)، بررسی شخصیت در فیلم های تاریخی - مذهبی، تهران: مرکز پژوهش های صدا و سیما.
- فصیحی، سیمین و سارا پاکزاد (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «اعتبارسنجی تاریخی دو سریال در چشم باد و عمارت کلاه فرنگی (مطالعه موردی: دوره رضاشاه)»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهر(س)، شماره ۱۷، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- فلوتن، فان (۱۹۶۵)، السیادة العربیة و الشیعة و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه، ترجمه حسن ابراهیم حسن و محمد زکی ابراهیم، قاهره: مکتبه النهضة المصریة.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، قم: دار الهجره.
- مقدسی، مطهر بن طاهر [بی تا]، الباء و التاریخ، ج ۴، [بی جا]: مکتبه الثقافة الدینیة.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، المغازی، تصحیح مارسدن جونز، ج ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- ولوی علیمحمد (۱۳۸۱)، «بررسی تأثیر علایق خاندانی و رسوبات اندیشه نومسلمانان بر ضبط سیره

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۶۷

و تاریخ زندگانی پیامبر(ص) قبل از ابن اسحاق»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۳، صص ۲۰۸-۲۳۷.

- هیوارد، سوزان (۱۳۷۸)، «مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی»، ترجمه فرزانه سجودی و دیگران، مجله فارابی، شماره ۳۴، صص ۱۹۸-۲۲۶.

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب [بی تا]، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت: دار صادر.



**List of sources with English handwriting**

- Aḥmadzādeh, ‘Alirezā (1388 Š.), *Farhang Važegān-e Sīnemā’ī* (Dictionary of cinematic vocabulary), Tehrān: Našr-e Afzār. [In Persian]
- Aqīqī Baḳšāyešī, ‘abd al-raḥīm(1387 Š.), *Ṭabaqāt Mofasīran-e Shi‘a*, Qom: Daftar našr navīd Eslām.
- Azraqī, Moḥammad b. ‘Abd Allāh (1983), *Aḳbār al-Makka*, edited by Rošdī al- Šālīḥ Molḥīs, Vol. 1, Beirut: Dār al-Andalūs.
- Balāzūrī, Aḥmad b. Yahyā (1417), *Ansāb al-Ašraf*. Vols. 1, 9, Beirut: Dār al-Fīkr, Bal‘amī, Moḥammad b. Moḥammad (1378 Š.), *Tārīḳnāmeḥ Ṭabarī*, Vol. 2, Tehrān: Entesārāt-e Sorūš.
- Bayhaqī, Abūbokr Aḥmad b. al-Ḥosseīn (1405), *Dalāl al-Nūbūwwa wa Ma‘rīfa Aḥwāl Šāḥīb al-Šarī‘a*, edited by ‘Abdulmo‘fi Qal‘aḳī, Vol. 2, Beirut: Dār al-Kūtūb al- ‘Elmīya .
- Church Gibson, Pamala and Jhon Hill (1382 Š.), *Rowikardhaye Enteqadī Dar Motale‘āt Film (Film Studies (Critical Approaches))*, Translated by ‘Alī ‘Āmerī Mahabādī, Tehrān: Entesārāt-e Sūreh Mehr.
- Davā‘ī, Parvīz (1369 Š.), *Farhang Vāžegān-e Sīnemā’ī* ((Dictionary of cinematic vocabulary), Tehrān: Sāzmān-e Čāp va Entesārāt-e vezārat-e farhang va eršād-e Eslāmī. [In Persian]
- Dahabī, Šams al-Dīn Moḥammad b. Aḥmad (1405), *al- Esrā īlīyāt fī al- Tafasīr Va al- hadīṭ*, al-azhar: liǰāmi‘a al-būḥūt al-Eslāmīya.
- Ebn Iṣḥāq, Muḥammad (1377 Š.), *Sīrata Rasūl Allāh*, translated by Rafī‘ al -Dīn Iṣḥāq Hamedānī, Vol. 1, Tehrān: Entesārāt Qārazmī. [In Persian]
- Ebn Bakkār, Zūbāir (1416), *Aḳbar al-Mūwafaqīyāt*, Qom: Entesārāt Šarīf Rażī.
- Ebn Ḥibbān, Muḥammad (1392 Š.), *al-Ṭīqāt*, Vol.7, Ḥaidarābād dakan, Mū‘assesa al-Kūtūb al-Ṭaqafa.
- Ebn Ḥajar ‘Asqalānī, Aḥmad b. ‘Alī (1415), *Al-Aṣāba fī Tamīz al-Šaḥāba*, edited by ‘Ādīl Aḥmad ‘Abdulmoǰūd, ‘Alī Moḥammad Ma ‘vūz, Vol. 1, Beirut: Dār al- Kūtūb al- ‘Elmīyya.
- Ebn Ḥajar al- ‘Asqalānī, Aḥmad b. ‘Alī (1404), *Tahḳīb al- Tahḳīb*, Vol. 8, Beirut: Dār al- Fīkr Wa līṭab‘a Wa al-Našr Wa tozī‘.
- Ebn ḳawzī, ‘Abd al-Raḥmān b. ‘Alī b. Moḥammad (1412), *al- Mūntazam*, Vol.2, Beirut: Dār al- Kūtūb al- ‘Elmīyya.
- Ebn ḳaldūn, Abū Zayd ‘Abd ar-Raḥmān b. Moḥammad(1408), *Kītāb al-‘Ebar*, Vol. 1, Beirut: Dār al- Fīkr.
- Ebn ḳallīkān, Aḥmad b. Moḥammad (n.d), *Wafayāt al-a‘yān wa-‘anbā’ ‘abnā’ az-zamān*, Vol. 4, Beirut: Dār al- Fīkr.
- Ebn Sa‘d, Moḥammad (1410), *Kītāb al-Ṭabaqāt al-Kobrā*, edited by Moḥammad ‘Abdulqāder ‘Vol. 1, 5, Beirut: Dār al- Kūtūb al- ‘Elmīyya.
- Ebn ‘Abdolbar, Abu ‘Omar Yūsef b. ‘Abdullāh b. Moḥammad (1412), *Al-Estī‘āb fī Ma‘rīfa al-Aṣḥāb*, Edited by ‘Alī Moḥammad al-Bījāvī, Vols. 1, Beirut: Dār al-jīll.
- Ebn Kaṭīr, Abulfīdā Esmā‘īl b. ‘Omar (1407), *Al-Bīdāya wa al-Nihāya*, Vol. 2, Beirut: Dār al-Fīkr
- Ebn al-Kalbī, Hīšām b. Moḥammad (1364 Š.), *Al –Aṣnām*, Cairo :( Tehrān offset), Našr Nū.
- Ebn Qūtayba, Abū Moḥammad ‘Abd-Allāh b. Muṣlīm (1992), *Kītāb al-Ma‘ārīf*, edit by Ṭarwat ‘Ukkāša, Cairo: al- ḥey‘at al mišrīya.
- Ebn-Nadīm, Muḥammad b. Iṣḥāq (n.d), *Ketāb al-Fihrest*, Beirut: Dār Al-Ma‘refa.
- Ebn Hešām, ‘Abdulmālek(n. d.), *Al-Sīra al-Nabawwīya*, edited by Mošṭafa al-Sīqā, İbrāhīm Al-Abīārī, ‘Abdulḥafīṭ Šalbī, Vols. 1, Beirut: Dār al-Ma‘rifa.
- Farǰāmī, Azam (1392 Š.), *Barrasī Šaḳsīyat Dar Fīlmḥāye Tārīḳī- Mazhabī* (A study of characters in historical-religious films), Tehrān: Markaz-e Pažūhešhay Šeda Va Sīmā. [In Persian]
- Fasihi, Simin, Paknezhad, Sara (1395 Š.), “*Historical Validation of DAR CHASHM-E BAAD (In the Winds’ Eye) and EMARAT-E FARANGI, Two Iranian TV Series (Reza Shah Era)*”, *Historical Perspective & Historiography* , Alzahra University, No.17, PP. 117-144.



[In Persian]

- Felūten, Fān.(1965), *al- sīyāda al-arabīya wa al šī'a wa al-īsrāīlīyāt Fi ahde banī umayya*, translated by Ḥassan Ebrāhīm Ḥassan and Moḥammad Zakī Ebrāhīm, Cairo: maktabat al - Nahḍa al masrīya.
- Ḥamawī, Šihāb al-Dīn b. 'Abdullāh Yaḳūt b. 'Abdullāh (1993), *Mo'jam al-Odabā'* (Eršād al-A'rīb ELA Ma'rifa al-Adīb, Vol.4, 6, Beirut: Dār al- Ġarb al-Eslamī.
- Hayward, Susan (n.d), the key concepts Cinema Studies, translated by Farzān Sejūdī and others, *Fārābī Magazīn*, No.34, PP. 198-226.
- Kaḏīb Baḡdādī, Aḥmad b. 'Alī (1417), *Tārīk-e Baḡdād*, Edited by Moštafā 'Abdulqādir Aṭā, Vol. 1, Beirut: Dār al- Kūtūb al-'Elmīya
- Mas'ūdī, 'Alī b. al-Hussain (1409), *Moroj al-ḍahab Wa Ma'adin al-jauhar*, Vol.1, Qom: Dār al-Hijra.
- Maqdasī, Al-Muṭahhar b. Ṭāhīr (n.d), *Kitāb al-Bad' WA al-tarīk*, Vol.4, n.p: Maktaba al ṭīqāfa al-dīnīya.
- Ramzī, Na'nāne (1390 Š.), *Esrā'īlīs Wa āfārīhā fī kūtūb al tafsīr*, Damascus: Dār al-Qalam.
- Zareklī, Kīrāl-Dīn (1989), *al-a'lām*, Vol. 9, Beirut: Dār al-'Elm lilmalāyīn.
- Rozental, Frants (1368 Š.), *Tārīke Tārīknagari dar Eslām*, translated by Asadul Allah Azād, vol.2, Mašhad: Entesārāt Āstān-e Oūds. [In Persian]
- Safadī, Kaḏīb Ebn Āybak (1401), *Kitāb al-Wāfi bīl-Wafayāt*, Vol.2, Beirut: Dār al-Našr Feranz Šetāīner.
- Sāsānī, Farhād (1380 Š.), *Nešānehāy-e Ma'navī Dar Sīnemā* (Spiritual signs in cinema),Tehrān: Pažūhešgah-e Farhang va Honar-e Eslamī. [In Persian]
- Sūbkī, Abd al-Wahhāb (n.d), *Ṭabaqāt al-Šāfi'īyya— Kūbrā*, Vol. 1, Cairo: Dār al-Ahyā al-kūtūb al-Arabīyya
- Ṭabarī, Moḥammad b. Jarīr (n. d.), *Tārīk al-Rūsūl Wa al-Mūlūk*, edited by Moḥammad Abulfazl Ībrāhīm, Vol. 2, Cairo: Dār al-Ma'ārif
- Valavī, Alimohammad (1381 Š.), "A RESEARCH ON THE EFFECTS OF THE FAMILY INTERESTS AND RELIGIOUS THOUGHTS OF THE NEOPHYLE MUSLIMS ON THE NARRATION OF THE SIRAH AND HISTORY OF THE PROPHET OF ISLAM BEFORE IBN ISHAGH", Fašnāme 'Olum Ensānī Dāneshgāh-e Alzahra, No. 43, PP. 208-237. [In Persian]
- Vāqedī, Moḥammad b. 'Omar (1409), *Kitāb al-Maḡāzī*, edited by Marsden Jones, Vol. 2, Beirut: Mu'assisa al-'Elmī.
- Yaḳūbī, Aḥmad b. Abī Yaḳūb (n. d.), *Tārīk al-Yaḳūbī*, Vols. 2, Beirut: Dār Šādīr
- Zargarīnežād, Ḡolāmhosseīn (1378 Š.), *Tārīk-e Šadr-e Eslām*, 'Ašr-e Nabowwat, Tehrān: Entesārāt Samt. [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**Reflections of Isra'iliyyat in the Mohammad Rasoolullah (PBUH) Movie  
(Before Being Appointed as Prophet)<sup>1</sup>**

Hedieh taghavi<sup>2</sup>

Received: 2020/12/24  
Accepted: 2021/04/08

**Abstract**

Religious and historical Characters are good subjects for making films for the reason the attractiveness and impact on the audience and for making connections between history and the media. The transmission of historical data through cinema and television as the most popular media necessitates the interaction between media owners, experts, and historians for the correct transmission of information to the viewer. It is important in connection with producing a film about the life of the Prophet (PBUH) before becoming a prophet due to the presence of Isra'iliyyat in the early biographies. In the movie "Muhammad Rasoolullah (PBUH)" directed by Majid Majidi, this part of the life of the Prophet (PBUH) is depicted. Considering the importance and impact of this film on a large part of the society, which can effectively create people's mentality towards the Prophet (PBUH), the author of the forthcoming article intends to examine the extent of Isra'iliyyat reflection in it. To this end, with a comparative approach, first identifies the Isra'iliyyat in the historical sources used in the film and then deals with how they are reflected in the movie.

The study's findings show that the filmmakers of the Prophet Muhammad (PBUH) relied on the narrations of Ibn Ishaq in obtaining historical data. With little regard for the severe criticisms made about the accuracy of these data, they have reflected the Isra'iliyyat of that book in a significant part of the film. This has caused the true face of the Prophet (PBUH) to be behind the Isra'iliyyat in this period of his life and to be hidden from the viewer.

**Keywords:** Mohammad Rasoolullah (PBUH) Film, Biography, Isra'iliyyat, Ibn Ishaq

---

1. DOI: 10.22051/HII.2021.29767.2189

2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University; Tehra, Iran. Email: [h.taghavi@alzahra.ac.ir](mailto:h.taghavi@alzahra.ac.ir)

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493